

# آینده

مجله سیاسی، ادبی و اقتصادی مصور

نمره مسلسل ۱۸

مجلد دوم (شماره ۶)

شهریور ۱۳۰۶ ه. ش.

ربیع الاول ۱۳۴۶ ه. ق.

سپتامبر ۱۹۲۷ م.

## اقتراح «انتخابات»

بقلم آقای تقی داده

نماینده طهران در مجلس شورای ملی

آقای مدیر مجله «آینده» که در انتخاب مواضع سلیقه مخصوصی دارند چندینست باب اقتراحی باز کرده اند و بدین طریق خواسته اند در باب مسائل عمده سیاسی و اجتماعی عقاید اهل خبره را در صفحات مجله خود بمعرض اطلاع عامه بگذارند و بدین طریق خیالات و عقاید مفید را که در گوشه و کنار در مغزها و دلهای صاحب نظران خوابیده روی دایره بریزند و بحث های خصوصی را بستون جراید بکشند. اخیراً اقتراحی در باب بهترین راه اصلاح انتخابات و تأیید صحت جریان آن طرح نموده اند و از اینجانب نیز که شاید بواسطه اینکه تنها نماینده ملت در شش مجلس متوالی از بدو انقلاب تا امروز هستم مورد حسن ظن ایشان در این موضوع بوده ام و با احتمال اینکه در این مدت طولانی ادوار مشروطیت تجربه و تفکری در این باب داشته باشم تقاضای اظهار عقیده در این خصوص نمودند. و اگر چه بنظر اینجانب موقع برای جستن وسائل اصلاح انتخابات از راه تصرف در قوانین و نظامات انتخاب نرسیده لکن در مقابل تأکید مدیر محترم از عرضه داشتن بضاعت مزجات خود در بازار نمایش عقاید دانشمندان مضایقه روانداشتم و اینک آنچه بنظر اینجانب در نتیجه تجارب بیست ساله عهدی که معنی هر چه بوده اسماً

دوره نمایندگی ملی و حکومت انتخابی بوده میرسد دیلا باختصاص بیان میکنم :

اصلاح آن را انتخابات ممکنست دو معنی داشته باشد یعنی ممکنست مقصود از آن صحت جریان انتخابات ملی و تکمیل معنی « نمایندگی » بقدر مقدور در معنی حقیقی و لغوی آن باشد که در واقع مراقبت کامل است در اینکه افراد مردم این مملکت که حق ایرانیت دارند از حقوق سیاسی خود که اعمال نظارت در جریان امور عامه و سیاست مملکتی و نظر داشتن در اداره کازهای عمومی مملکت مطابق مصالح عامه باشد بهره مند شده و این حق را غیر مستقیم بوسیله گماشتن و کیلی از جانب خود برای تعیین میزان کمک مالی که موکین بمخارج عمومی باید بکنند و نظارت در کیفیت در یافت و جمع آوری آن و ترتیب خرج و محل مناسب مصرف آن بکار ببرند در این صورت البته منظور این خواهد بود که بقدریکه تدابیر و قوانین بشری میتواند راه هوی و هوس نامشروع انسانرا به بندد تکنیک ( فن بکار انداختن ) عمل انتخاب را طوری مطابق مقصود درستکاری و امانت و عدالت تکمیل کنیم که تا حد امکان و استطاعت بشری هر فردی باختیار مطلق و کامل و از روی فهم و عمد بدون تأثیر هیچ نفوذ نامشروعی و کیلی خود را انتخاب کند و پس از آنکه تمام مردم مملکت اختیاراً و از روی شعور ( یعنی شعور لغوی ) آراء خود را بطور مخفی دادند و بکمال امانت این آراء شمرده شد نتیجه اکثریت آن آراء بدون استیناف و تمیز از جانب هیچ مقامی ( حتی مجلس ملی ) متبع باشد یعنی باستانی تحقیقات راجحه بجمع بودن شرایط انتخاب شدن در و کلا که از طرف مقام بیطرفی ممکن است تحقیق شود ملاحظات دیگری در تصدیق یا دروکالت شخص انتخاب شده بکار نرود . اگر مقصود این باشد پس منظور از بحث و نظر اینستکه بینیم بچه وسائل و تدابیر قانونی این مقصود را بهتر و کاملتر میتوان تامین کرد و راه رخته و خلل

در جریان صحیح انتخاب را بعد ممکن بست یعنی ستاره را راست کنیم که جدول کج نرود  
 مقصود دیگری که ممکن است با وجود عدم مبادرت آن بذهن مثل مقصود روشن اولی در بعضی افکار مکنون باشد اینست که منظور از اصلاح انتخابات نه تنها اصلاح طریقه عمل انتخابات است بلکه تأمین داشتن وکیل لایق و درستکار و وطن دوست و بافهم و با رشادت و دلسوز است و بیروان این خیال ممکن است عقیده داشته باشند که اگر نشاندهنده‌ای از وکلای اسمی دارای صفات لازمه مذکور در فوق در مجلس ملت بوسائل دیگری غیر از وسیله صحت جریان انتخابات و رعایت مشروعیت در اجرای آن هم ممکن شود پیروی عقیده ما کیاولی یا رویه معروف یسوعیان (ژزویی) « مقصد وسیله را مشروع میکند » عیبی ندارد و باید مقدمه را فدای ذی‌المقدمه کرد.

تفکیک این دو مقصود و تشقیق شقوق در بادی امر بنظر اینجانب از این جهت لازم بود که تا مقصود روشن نشود که ما از اصلاح انتخابات کدامش را می‌خواهیم انتخاب وسائل و تدابیر لازمه برای بدست آوردن آن مقصود ممکن نخواهد شد و نیز تا این دو عقیده مختلف معارضه نکرده و یکی مغلوب نشود اصلاح خواستن اصلاح انتخابات بواسطه اختلاف معنی خلاف منظور یکدسته خواهد بود.

اگرچه جمعی از ترقی طلبان کوتاه نظر و کم مایه دیده میشوند که بصحت جریان انتخابات اصلا عقیده نداشته و باستناد اینکه ملت جاهل است و انتخاب حقیقی ملی ریشه امور را بدست پیشروان جاهل میدهد و آنها کارهای مملکت را مطابق میل عامه نادان اداره کرده مانع از ترقی میشوند ترجیح میدهند و کلا سفارشی تعیین شوند و اگرچه این عقیده را بشرح وبسطی در میان جوانان مملکت تلقین میکنند و بنابراین جای آن بود که این مطلب درست شکافه شده و حل‌الجی شود و محاسن و معایب آن بطور وضوح نشان داده

شود لکن چون موضوع اقتراح غیر از اینست تفصیلاً داخل این مبحث نمیشویم فقط محض علاقه که میان این مطلب و موضوع اصلی هست می خواهم بطور اجمال بگویم که این عقیده یعنی صرف نظر کردن از صحت عمل انتخابات و عطف توجه بلیاقت نمایندگان مصنوعی قطعاً باطل و بوج است و علاوه بر هزار و یک دلیل قاطع بر بطلان آن که باید در محصل خود بیان شود همینقدر باید گفته شود که حتی بر فرض تسلیم مقدمات اخذ نتیجه غیر ممکن است یعنی اگر قبلاً قبول کنیم که در صورت امکان داخل کردن عدمای و کیل دانا و جامع الشرایط در مجلس با انتخابات در انتخابات ما هم برای یکساعت حاضر شویم از راه مشروع خارج شده و نتیجه مفید را گرفته از صحت و بطلان مقدمات صرف نظر کنیم باز بدیهی است که در مقام عمل حصول این مقصود غیر ممکنست چه اگر تنها شرط تجدید خواهی در کار باشد محال نیست (اگرچه بعید است) که نفوذ هنی غیر ملی اینگونه مردم ترقی طلب را لقب «نماینده» بدهد ولی تا شرط درستکاری و امانت و وطن دوستی و حفظ مصالح مملکت بمیان آمد فعلاً در عالم وجود خارجی (نه ذهنی) محال عقل است که این صفات در «نمایندگان» تقلبی وجود داشته باشد و تنها عاملی که کم و بیش درستکار را انتخاب میکند عامه ملت یقه چرکین است که بدرستکاری و امانت و وطن دوستی اهمیت میدهد و اگر معارضین هم چشم بهم بگذارند و چند دقیقه فکر کنند میان خود و خدا و جداناً و انصافاً تصدیق خواهند کرد که طلب چنین است ورنه با هزار «اگر» در هر مطلب محال که شما بخواهید من هم قبلاً قول میدهم که باشما هم عقیده شوم. اگر ممکن بود که وکلای غیر ملی هم ترقی طلب باشند و هم درستکار و هم وطن دوست و هم رشید و هم بافهم و دانا با همه این «اگر» ها من هم برای اثبات معایب دیگر این اصول و طریقه در مورد عمل راضی میشدم که دو سال عمر گرانهای ایرانرا هم صرف امتحان این ترتیب «من در آورده» بکنیم

ولی واضح است اگر اجماع امت برخطا رود عقاید يك یا چند غیرمحموم  
بطریق اولی خاطی و تابع تائیرات هوی و هوسهای موجود میشود

اینجانب حاضر در صورت لزوم درحسن و قبح و فواید و معایب  
عقیده مزبوره در صفحات آینده در موقع دیگری عقاید خود را اظهار  
بدارم و باذکر تمام دلایل و استحصانات پیروان آن عقیده بروجه، کمال و  
بدون ادنی فروگذاری از بیان کامل مقصود و دلایل آنان معایب و سستی آن  
طریقه را نشان بدهم ولی فعلاً چون موضوع اصلاح عمل انتخاب است  
و منظور پیدا کردن وسائل قانونی برای تأمین صحت حقیقی جریان انتخاب  
و دادن نتیجه مطلوبست برسر موضوع میرویم (۱)

برای روشن ساختن مطلب بطور کامل باید گفت که صحت  
مطلوب جریان انتخابات تنها بسته باصلاح قوانین آن نیست بلکه دو شرط  
دارد یکی تکمیل و اصلاح قوانین انتخاب و دیگری تأمین اجرای آن  
که نه در اقتراح و نه در جوابها این شرط دوم هیچ منظور و موضوع بحث  
نشده در صورتی که بدون این فقره که شرط اولی و اصلی حصول مقصود  
است اصلاح تمام قوانین بروجه اتم و احسن و اتخاذ بهترین تدابیر قانونی  
عالم بقدر خردلی نتیجه نخواهد داد و بلکه مضحک خواهد بود و شاید  
جهت عدم تعرض باین مسئله این بوده است که بحث در اصلاح آن بیجا  
بنظر آمده و در واقع عاجی نداشته لهذا در عالم بیکاری تصور شده که  
عیبی ندارد یکی از مسائل فرضی را که فعلاً نمره نزع ندارد مطرح کرده  
برای تشحید اذهان در آن باب بحث کنیم و فی المثل بدان ماند که و کلای  
مجلس دورهم نشسته در مجلس خصوصی و عمومی شب و روز بحث و  
مجادله و استدلال و محاجه و قیل و قال کنند که عایدات مملکتی سال ۱۳۰۶

(۱) اداره مجله آینده مخصوصاً از آقای تقی زاده استمدعا میکند که «اقتراح

انتخابات» را بعضی جامع و غیرمحدود گرفته و نظریات سوده‌مند خود را بعرض استفاده  
عامه خوانندگان بگذارند.

یا ۱۳۰۷ راجه امور همه اساسی که در درجه اول مفید باشد بهتر است صرف کنیم و چگونه امور حیاتی و اساسی ملتی را که مانعاندگان آنها هستیم بدرجات فایده و حاجت بترتیب الایم فالایم تشخیص داده و جد بکنیم مطابق آن ترتیب صرف شود و پس از یکسال گفتگو و محاجه و غور و فکر و بحث و تحقیق روزی دولت بفته صورت تفریق بودجه را چاپ شده بدست آنها بدهد و یا آخر سال در ۲۸ اسفندار مذماه صورتی از عمل گذشته باسم «بودجه» همان سال که تمام شده و در معنی تفریق (یا با اصطلاح معمول حالیه تفریح) بودجه را بوا کلا بدهند و بطور استهزای مقدر تصویب آنرا بخواهند اگر قصد قوه اجرائیه و عمال آن روزی این باشد که انتخابات کامله بمیل ملت انجام باید یعنی مردم خود و کیل خود را انتخاب کند و دولتیان اعمال هیچ نفوذ و یا مداخله ای در عمل انتخاب نکنند و بمباراة آخری مثل ممالک منمدنه حقیقی مغرب زمین رفتار کنند چنان عقیده دارم که با چند اصلاح در قانون انتخابات عمل انتخاب رامیتوان خیلی بصحت حقیقی نزدیک کرد و شاید صدی هشتاد معایب حالیه آنرا تا آنجا که راجع بقانون و سوء جریان است رفع نمود.

برای تهیه وسائل اصلاح باید نخست معایب انتخابات حالیه را تا آنجا که بسوء اجرا راجع نیست تشخیص داد و مهم ترین این معایب بعقیده من عبارت از امور ذیل است:

۱ - اینکه انتخاب کننده ورقه انتخاب را در خارج از انجمن نظارت انتخابات نوشته یا نویسانده همراه میاورد و خود در انجمن در اطاق مخصوصی نمی نویسد.

۲ - آنکه آراء بلوکات داخل آراء شهرهای مهم شده و از استخراج رویه مرفته آراء و کیل معین میشود در صورتیکه انتخاب شهرها کمایش از روی فهم و استقلال رأی بوده و آراء روسدنیان بدبخت که مثل رمة گوسفند بصندوق انتخابات رانده میشوند غالباً از روی اجبار و اغفال است.

۳ - اغشاش تعیین هويت در انجمن انتخابات و نبودن ميزان صحیحی برای اینکار تا از تکرار رأی دادن و یا رأی دادن اشخاص غیر جامع شرایط جلوگیری شود

۴ - سوء انتخاب یا تشکیل انجمنهای نظارت انتخابات که تابع هوی و هوس حکام است و دسایس زیاد در آن بکار میرود و ميزان صحیحی برای آن مقرر نشده است

۵ - شکل عجیب و مضحک رسیدگی باعتبار نامه در مجلس و قضاوت مجلس که از بیحسابترین امور مملکت ما هست و وکالت هر کسی از جانب ملت و اهل ولایت خود بسته بمیل و هوس و پسندیدن و پسندیدن « و کلانگی » است که زودتر بطهران رسیده اند

آنچه گفته شد معایب عمده ایست که در کار است و رنه چندین معایب درجه دوم هم موجود است که باید بتدریج برقع همه آنها کوشید تا انتخابات ملی بصراط مستقیم بیفتد مانند محدود نبودن ابتدا و انتهای عمل انتخاب در تمام مملکت و نبودن و کلاء از اهل محل و غیره اینک و قتیکه معایب عمده را از نظر گذرانیدیم باید راه اصلاح را پیدا کنیم .

رفع عیب اول یابن میشود که دولتی که مراقب صحت جریان انتخابات است ورقه رأی چاپ کند باعلامات و کیفیت مخصوصیکه حتی الامکان قابل تقلید نباشد و این اوراق رأی را وزارت داخله مهر کرده عدد کافی تحویل حکومت هر حوزه انتخابیه داده و قبض بگیرد و حکومت محل آنها را بمهر حکومت رسانیده تحویل انجمن نظارت میدهد و انجمن نیز مهر میکند در این ورقه ها جای مخصوصی سفید برای نوشتن اسم و کبیل یا و کلا گذاشته میشود و انجمن نظارت بهر کسی که برای دادن رأی بانجا میاید پس از تحقیق هويت و شرایط قانونی يك ورقه رأی رسمی چاپی از آن اوراق داده او را بسوی اطاق کوچکی در محوطه انجمن نظارت که يك ميز و قام و دوات در آنجا است دلالت میکند که در آنجا

اسم و کیل را خود روی ورقه رأی نوشته و از در دیگر خارج شده و ورقه را بصندوق بیندازد معلومست که در این صورت انتخاب کننده باید صاحب سواد یعنی حداقل آن باشد و باصلاح خواندن الفبا و نوشتن را بداند بعد از ختم انتخاب باید انجمن نظارت و حکومت تمام اوراق رأی را که بصندوق ریخته شده باطل نموده یا آنچه از اوراق رأی بمصرف نرسیده تحویل وزارت داخله کنند و وزارت مزبور بصحت عدد اوراق و مطابقت آن با همدی که تحویل حکومت شده بود رسیدگی نماید . برای رفع عیب دوم اصلاح سنده و بسیط آنست که آراء بلوکات را از آراء شهرها تجزیه نموده و بهر کدام بناسب نفوس و کیل داده شود و بعقیده اینجانب درحالت حالیه این فقره واجبتین و مهم ترین اصلاحات قانونی است .

عیب سوم را که راجع بتعیین هویت است جز با مراقبت کامل در امر ورقه هویت و انتظام کارسجل احوال نمی توان چاره کرد و اگر چه دسایس زیادی در آن کار نیز دیده شد ولی هیچ نسبتی با بی تربیتی سابق و محول شدن تحقیق هویت مردم به شناسائی فلان حاجی یا فلان کاسب ندارد و قابل قیاس نیست در انتخابات آینده حتماً باید در تمام ایران فقط ورقه سجد احوال مبنای تحقیق هویت قرار داده شود و انجمن نظارت پس از دیدن ورقه هویت و مهر کردن پشت آن و تحقیق سایر شرایط انتخاب کننده ورقه رأی باو بدهد . بدون این اصلاح اصلاحات دیگر نقش بر آب میشود و چون دیانت قدیمی و امانت سیاسی خیلی کمیاب شده لهذا اگر مثله تحقیق هویت با امان ضعیف و امانت سست حاجی های ریش بلند و معممینی که با امانت و صحت عمل در امور سیاسی قائل نیستند و اگذار شود هر انتخاب کننده میتواند بیست مرتبه رأی بدهد و اهل قرای دور دست میتواند در شهر آمده و ادعا کند اهل شهرند و رأی بدهند . در انتخابات مجلس ششم خود اینجانب عضو انجمن



نظارت مرکزی طهران بودم و در سرکشی بشعب انجمن نظارت در طهران اوضاعی مشاهده کردم که بحیثه تحریر نیاید یکی از شعبه‌ها مرکب از ۹ نفر بود که یکی اصلاً قبول عضویت نکرده بود و دو نفر دیگر اغلب حاضر نبودند از شش نفر باقی که غالباً حاضر بودند پنج نفر مثل اینکه تمام عمر را شب و روز و هر ساعت و هر دقیقه با هم گذرانده اند همه متفق القول هر واردی را میشناختند و یکی دو نفر از آنها ابتدا اظهار شناسائی میکرد و این اظهار مثل فرمانی کافی بود که بقیه آن پنج نفر فوراً بگویند «من هم میشناسم» مخصوصاً یکی از آنها که شخص محترم موقر و معمم بود مشغول ثبت اسامی در دفتر و تحریر بود و اغلب بدون آنکه سرش را بلند کند و بروی انتخاب کننده بدبخت شهرستانکی نگاه کند در همان حال تحریر نمره و اسم و قتیکه صدای رفقای خود را میشنید که گفتند میشناسیم او نیز از همانجا سر بزیر میگفت «منم میشناسم» اینجانب پس از دقیق شدن در سر مطلب که برای من واقعاً صدور چنان حرکاتی از چنان مردمان باریش و پشم حیرت انگیز بود عاقبت دریافتم که بعضی اهل تدین ما اگر هم ایمان درستی داشته باشند در سنکاری را در امور شرعی و در آنچه در آن امر و نهی شرعی موجود است لازم میشمارند و خلافکاری در آنها را موجب مجازات اخروی میدانند ورنه در امور «من در آورده» مثل وکالت، انتخاب، کمیسیون، کمیته، مدعی العمومی، پذیرائی سفراء خارجه، امور گمرکی، مالیات مؤسسات رهنی، عیار ضرابخانه، و غیره و غیره که تصور میکنند مجازات و عقاب صریحی در باره آنها وارد نشده و با موازین شرعی سنجیده نمیشود اصلاً باامانت و خیانت و با ایمانی و بی ایمانی قائل نیستند و بر اشخاصیکه در امور عرفی نیز مانند اعمال شرعی بدرستی مقدمات و مقارنات مواظبت میکنند

از مشککترین امور رفع عیب چهارم است یعنی اتخاذ ترتیبی که بوسیله آن انجمن های نظارت صحیح و درستکاری داشته باشیم و چاره قطعی آن

تشکیل احزاب سیاسی بمعنی حقیقی آن در این مملکت است که در آن صورت بودن يك نفر از هر حزب در انجمن‌ها تا حدی ضامن جلوگیری از اعمال دسایس میشود ولی چون ما ظاهراً هنوز سی سال دیگر از داشتن احزاب سیاسی حقیقی بمعنی معمول در ممالک مغرب یعنی تخریبات از روی عقیده دور هستیم لهذا فعلاً جز تحمیل قسمت بزرگ مسئولیت بر دولت و انتخاب مأمورین مسؤل و امین و دارای شخصیت از قضات و روسای ادارات مهمه و ضمیمه کردن چند نفر از اشخاص موقر محترم امین بیطرف از وجوه ملت بشرط آنکه خود داوطلب و کالت نبوده باشند تنها راه ممکن بنظر میاید و واضح است که چنانکه در ابتدا گفتیم این در صورتی است که خود دولت در انتخابات بیطرف و مراقب صحت جریان باشد و اصلاً تمام دبنای اصلاحات مشروطه در این مقاله بر روی آن اساس گذاشته شده یعنی فرض جریان انتخابات بحال طبیعی و بمیل ملت

عیب پنجم که قضاوت بی اساس مجلس است در اعتبارنامه و کلا و در واقع قضاوت زود آمدگان در وکالت و عدم وکالت دیرآمدگان از معایبی است که قطعاً باید در رفع آن اهتمام شود و واقعاً این کار لکمه تنگینی است بر ناصیه مشروطیت ما از روز افتتاح مجلس تا اواخر دوره تقنینیه هر هفته یا هر ماه یکی دو اعتبارنامه است که بمجلس میاید و تمام اعضای مجلس داخل کمکش قبول و عدم قبول و کیل تازه هستند آنها بمقتضای هوی و هوس شخصی و اغراض مخالفه و اغلب طرفداران هر و کیل تازه صبح تا شام بهخانهای و کلای «از بل گذشته» میروند و یادز کوچه جاو آنها را گرفته بدون ذکر يك کلمه دلیل صحت و عدم صحت انتخاب تمنای رأی دادن در باره و کیل تازه میکنند و حتی گاهی کاربا «من بعیرم» میگردد و از اخلاص و کیل تازه بمخاطب سخن میرانند و و کلای کهنه هم عاقبت اغلب بو کیل تازه رأی میدهند محض اینکه «آدم بدی نیست» در اشعار و

ادبیات هم تسلط دارد «خطش خوب است» یا «آدم خوش معاشرتی است» و یا بالاخره لالچ علی بل لفض معاویه اصلاح این نقص بیشتر بسته برشد مجلس ملی و تکامل آن و افتادش در خط مجالس ملی ممالک مشرقیه است ولسی فعلا در میان طریقه های مختلف برای تحقیق اعتبار نامها و صحت یا فساد جریان انتخاب پیشنهاد ذیل نظر ایشجاب تا حدی از سوء جریان این کار جلوگیری میکند :

اعتبار نامه بمجرد ورود در مجلس فوراً به شعبه رجوع شود و شعبه نتیجه تحقیقات خود را مجبوراً در مدت معینی بمجلس عرضه دارد در صورتیکه اکثریت عظیمه مجلس با رأی شعبه موافقت نماید بعدیکه عدّه مخالفین از ده نفر تجاوز نکند در آنصورت همان رأی شعبه قاطع خواهد بود ولی در صورت مخالفت ده نفر از وکلا با رأی شعبه ترتیبی که در لایحه نظامنامه داخلی جدید مجلس منظور شده اجرا شود یعنی ۳۶ نفر از وکلا بقرعه انتخاب شده و شعبه ۱۲ نفر از آنها رد کرده و مخالفین هم یکبار از میان خود انتخاب کنند تاوی نیز ۱۲ نفر دیگر را رد نماید (در صورتی که خود وکیل تازه مخالف شعبه باشد خودش در رد ۱۲ نفر اولی است) ۱۲ نفر آخری کسه باقی میمانند رسیدگی ثانوی در اعتبار نامه نموده و درطرف یکگفته نتیجه تحقیق خودشان را راپرت بدهند و حکم آنها قاطع خواهد بود مگر در صورتیکه مجلس با اکثریت آراء ارجاع تجدید نظر در این مسئله را بمحکمه تمیز بخواند ضمناً باید در هر مورد در موقع اخذ رأی در مجلس تقاضای یکنفر هم برای اخذ رأی مخفی کافی باشد

این پیشنهاد فقط يك نسوری است که در اوضاع حالیه وارد خاطر میشود و شاید پس از مدتی با افتادن امور در مجرای صحت و عدالت و بلوغ ملت بحدر شد کامل بر پیچیده و بی لزوم بنظر بیاید چنانکه گفته شد. گذشته از این نواقص عمده معسایب درجه دوم نیز

ترتیب انتخابات ایران موجود است مثلاً محدود کردن مدت انتخابات تمام ایران يك زمان کوتاهی که از يك ماه تجاوز نکند و منفصل شدن هر وکیلی که تا سه ماه پس از انتخاب در مجلس حاضر نشود و محدود کردن مرخصی و کلاً بمرض جدی یا دو هفته در سال و شرط معروفیت محلی برای وکیل هر حوزه و شرط حتمی ایرانی بودن تا سه پست برای وکیل و عدم انفصال و کلائی که وزیر میشوند از وکالت یعنی عودتشان بمجلس نائياً پس از استعفای از وزارت و بعضی نکات دیگر اصلاحات لازمی است که باید بتدریج بعمل آید ترتیب داخلی مجلس ملی هم معایب بیحسابی دارد که مجلس را از شکل « پارلمانی » خارج میکند بنظر اینجانب قسمتی از این اصلاحات بدون انتخابات حزبی که هنوز موجود نیست و در دامنه افق هم آناش دیده نمیشود ممکن نیست و تشکیل احزاب حقیقی با عقیده در مملکت طبعاً خیلی از این معایب را و خاصه معایب داخلی مجلس را اصلاح میکند لکن تشکیل احزاب حقیقی هم با ترقی اقتصادی صورت پذیر است ورنه از غیر اهل مشاغل آزاد حزب حقیقی بوجود نمیتواند بیاید

يك نکته هم که برای صحت جریان انتخابات گهك مهمی میکند آنست که دولت شمال دولتی هر محلی را بمیل و کبیل آن محل نصب و عزل نکند و هیچ نوع وساطت و اجرای نفوذی از طرف وکیل در این باب قبول ننماید اینست آنچه در این باب بنظر قاصر میرسد ولی باز باید سخن را در همانجا ختم کرد که آغاز بدان بود یعنی این حقیقت روشن را باید تکرار کرد که تمام این اصلاحات و خیالات راجع بتعدیل قانون و سد خلل های موجوده از راه قانونی است و هیچ تأییری در اجرا نخواهد داشت و اگر ما همین اجرا بطور صحت کار نکنند یعنی قصد آن نباشد که افراد ملت دانسته و فهمیده و با اصطلاح شرعی فی حال الصحة والاختیار لاعنا کراه و اجبار رأی خود را در کمال آزادی برای وکیل خود

بدهد هیچ يك از اصلاحات قانونی بقدر ذره چاره آنرا نخواهد کرد اصلاح این عیب اساسی یعنی فساد اجراءم با خود قوه اجرائیه است در قواعد شرعیه چنانست که هر که ممیز و بالغ و رشید و عاقل باشد حق دارد ~~سکار~~ خود را خود بدست بگیرد و کسی حق ندارد خود را قیم او قرار بدهد لکن در قواعد سیاست آنکس که بالغ و رشید و ممیز است کار خود را حتماً بدست میگیرد و کسی نمیتواند ادعای قیمومت بر او بکند حالا ما اگر کاپیتولاسیون خارجه را ملغی میکنیم اینکار مبنی بر این ادعا است که «آقایان ملت ما بالغ و رشید است شما دیگر چه حق دارید در این مملکت امتیازی حقوقی و قضائی برای اتباع خود نسبت بایرانی قائل بشوید» و اگر انتخاب و کلا را آزاد نکنیم معنیش این است که «بابا این ملت بی تمیز و بی رشد چگونه میتواند خودش و کیل لایق برای خود تعیین نماید» ولی بالاخره در روز روشن هم نمیشود با دوزبان حرف زد و دو پرده مختلف بازی کرد

۲ مرداد ۱۳۰۶ حسن تقی زاده